

## بدایع وقایع

نخستین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا

( ۷ )

این آپارتمان مشتمل بود بر يك مدخل که مستقیماً از آنجا دری باطاق سفره‌خانه خیلی ظریفی باز میشد و بعد بترتیب در اطراف مدخل يك اطاق خواب بسیار وسیعی بود که اسباب و مبل آن از مخمل سرخ و چوبهای قیمتی تهیه شده بود و يك اطاق سیگار کشی و باصطلاح (فوموار) که اثاث آن از چوب سرو و کاج ساخته شده بود و درته آن شاه‌نشینی بسیار مزین بطرح خوبی قرار داده بودند و بالاخره يك سالون و يك اطاق حمام که هر دو نهایت آراستگی و نظافت را داشتند .

یکساعت بعد از ورود اعلیحضرت شهرباری کارگذاران شهری را بحضور مبارك بار داده در ایوان جلو سالون حضرات در حالتی که ذات مقدس همایونی ایستاده بودند بحضور اعلی مشرف شدند اعلیحضرت از حسن پذیرائی و خدمات شایانی که اجزاء اداره حکومت و شهر نموده بودند اظهار امتنان و رضایت نموده جناب نظر آقا فرمایشات ملوکانه را برای ایشان ترجمه نمود پس از مرخصی حضرات اعلیحضرت قوشوکت چون اندکی از حرکت راه‌خستگی داشتند باطاق سفره‌خانه تشریف برده درحالتی که دونفر از پیشخدمتان مخصوصه در عقب سرایشان مواظب انجام خدمات بودند شام میل فرمودند و پس از صرف شام بلادرننگ برای رفع خستگی به بستر خواب

راحت فرمودند صبح روز یکشنبه بعادت یومیه اعلیحضرت مظفرالدین - شاه باوزراء دربار بانجام مهمام دولتی و امور سلطنتی مشغول شدند و بعد کدخدای شهر را بحضور طلبیدند و در خصوص جشن و اقداماتی که اهالی استان برای تجلیل موكب همایونی میخواستند بعمل آورند با او صحبت کرده قرار روز و وقت و ترتیب آنها را معین فرمودند و اظهار داشتند که تمام آنروز را ذات مقدس ملوكانه در آپارتمان مخصوصشان بسر خواهند برد و به اسب دوانی ولینگتن و به مجلس ساز و آواز «کورسال» تشریف فرما نخواهند گردید و نیز گوشزد کارگذاران شهری داشتند که کلیتاً بعد از ساعت ۷ بهیچ نوع دعوت و مجلس تشریف نمیبرند و مقصودشان از اقامت استان بیشتر راحت و رفع کسالت است.

در ساعت ۵ بعد از ظهر اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری بهمراهی ملتزمین و خاصان در گاه تشریف فرمای پارك «ماری هانریت» شده دوره در باغ گردش فرمودند و بعد بملاحظه سد جلو دریاعزبمت فرموده از خوبی و کیفیات طبیعی استان خیلی تمجید نمودند.

در مراجعت به پالاس هتل بحکم اعلیحضرت «سال دو فست» (نالار جشن) عمارت چون روز روشن از اشعه الکتريسته منور گردید و ذات مقدس همایونی خاصان و محرمان دربار را بصرف چای رخصت فرموده هريك در گوشه آزادی قرار گرفتند و یکنفر پیاپوزن ایرانی شروع به نواختن مقامات و نواهای ملتی ایران کرده در آن دیار بعید یادی از وطن عزیز نمودند.

روز بعد را اعلیحضرت شاه میل دیدن اسب دوانی فرمودند در ساعت دو بعد از ظهر جمع کثیری تماشاچیان در اطراف باغ پالاس هتل برای زیارت اعلیحضرت مجتمع شدند و یک دسته سوار که مرکب از بیست و چهار نفر سوار ژاندارم بود برای همراهی موکب اعلی حاضر گردیدند و «ژانگر» از دسته پولیس دوچرخه سوار در کریاس هتل منتظر بود که چون موقع حرکت موکب همایون برسد بمحل اسب دوانی شتافته «بارون وان لو» را که در ولینگتن منتظر مقدم مبارک بود مخبر نماید.

مقارن سه ساعت بعد از ظهر کالسکه هائیکه قونسول ژنرال ایران در «آنورس» برای سواری اعلیحضرت شاهنشاه و ملتزمین تهیه دیده بود با خود مشارالیه در مدخل هتل حاضر آمدند و اعلیحضرت شهریار باوزیر اعظم در کالسکه مخصوص خودشان قرار گرفتند سایر ملتزمین نیز بکالسکه های دیگر نشسته بطرف میدان اسب دوانی روانه شدند.

«موسیو هررینگ» صاحب منصب پلیس بادوچرخه برای هدایت از جلو و بعد از آن سواران ژاندارم و بالاخره کالسکه های موکب همایونی بترتیب حرکت میگردند. در میدان اسب دوانی تمام تماشاچیان و حضار داخل صنفه های مخصوص و خارج میدان اسب دوانی ایستاده بودند کلاه بدست در نهایت احترام دستمالهای خودشانرا تکان میدادند و بفریاد بلند اعلیحضرت را که در صنفه مخصوص

سلطنتی قرار می‌گرفتند دعا و ثنا می‌گفتند .

در کلاه فرنگی که در وسط جلگه اسب دوانی ساخته شده بود یک‌دسته موزیک نخست سلام ایرانرا زده بعد بنواختن آهنگ ملتی و سلامتی شاه مشغول گردیدند .

کدخدای شهر «استاند» وانجمن مؤسس اسب دوانی در پهلوی صفت همایونی حضور داشتند .

جمعی از دختران و مخدرات محترمه دسته گل‌های قشنگ نثار مقدم و تقدیم حضور اعلی داشتند و اعلیحضرت پس از آنکه با آنها اظهار ملاطفت و مرحمت نمودند یک شاخه مریم ژاپونی به یقه خودشان قرار داده متوجه اسب دوانی گردیدند.

در دور سوم اعلیحضرت با بعضی از ملتزمین رکاب مبارک در سراسب معروف به «ژارینکوتون» شرط بسته بالمضاعف بردند و در دوره چهارم نیز بر سراسب موسوم به «وگا» نذر بسته از اقبال بلند اعلیحضرت آن اسب نیز جلو افتاد و بالمضاعف گرو برد .

پس از انقضای دوره بزرگ «مادام پیترس» یک‌دسته گل سرخ بسیار لطیف بحضور مبارک تقدیم نمود و ذات مقدس ملوکانه بکالسکه سوار شده با کوبه ورود به هتل معاودت فرمودند .

آنشب را اعلیحضرت شاهنشاه کدخدای شهر «استاند» را بشام ملوکانه دعوت فرمودند و پس از شام چند ساعتی را در عمارت «کورسال» بسر بردند.

صبح روز سه‌شنبه از سایر ایام توقف موبک همایونی در «استاند» امتیاز و کیفیت مخصوصی داشت. توضیح آنکه شب آن روز چون اعلیحضرت اظهار فرموده بودند که خاطر مبارکش راغب است گردش با اتوموبیل کرده باشند «مادام کرون کومتس دو بیلاندت» که در این فن مهارت و زبردستی تام دارد و او طلب شد که با اتوموبیل خود ذات مقدس ملوکانه را گردش بدهد در ساعت ۱۰ بواسطه شرفیابی یکی از پاشاهای عثمانی بحضور مبارک اعلیحضرت فرصت گردش فرمودند و از طرف ایشان وزیر مالیه ایران در پهلوی مادام مشارالیهها به اتوموبیل سوار شد و پس از آنکه پاشا از حضور مبارک مرخص شد ذات مقدس اعلی بایوان عمارت تشریف آوردند و از آنجا رفتار اتوموبیل را که در کمال قدرت و مهارت خانم مزبور بدون هیچ رایحه بدیا صدا و تکانی باطراف و جوانب مختلفه حرکت میداد تماشا فرمودند.

رفتار خوب و شکل مرغوب اتوموبیل نهایت پسند خاطر همایونی شد و بحکم مبارک اتوموبیل و راکب زیبای آن در جلو ایوان توقف کردند و مادام مشارالیهها تشریح اتوموبیل و کیفیت آلات و ادوات آنرا مشروحاً بخاکپای مبارک عرض نمود و وزیر مالیه مقالات مشارالیهها را بحضور اعلی ترجمه کرد.

از آنجا که سیستم این اتوموبیل خیلی تازه و دارای امتیاز بی اندازه بود حکم مبارک صادر شد که دو دستگاه اتوموبیل از همان

سیستم یکی چهار نفره و دیگری سه نفره بکارخانه برای ایشان سفارش شود مادامی که جمعیت زیادی مقابل پالاس هتل جمع شده و متوجه اتوموبیل رانی بودند در روی یکی از نیمکتهای کنار سد روبروی هتل دونفر خانم بسیار قشنگ با دوربین عکاسی که در دست داشتند علی‌الاتصال از اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و ملتزمین رکاب باحوال مختلفه عکسهای فوری برمی داشتند یکی از آن دو محترمه که چتر نخودی رنگی برسر داشت مخصوصاً در گرفتن عکسهای پیاپی حدواصرار تامی داشت و آن «پرنسس کلماتین» دختر پادشاه بلژیک بود و خانم دیگر مادام «باسوم پیر» ندیم و صاحبۀ ایشان بود که هر دو در کمال قشنگی و دلربائی بدون آنکه باکی داشته باشند که مردم ایشانرا بشناسند مانند عکاسان ذوق منترصد حالات و اوضاع مختلفه حضار و مجالس بوده هر وقت شکل تازه بنظر درمی آوردند فوراً در دوربین ضبط می نمودند.

بعد از ظهر اعلیحضرت مظفرالدین شاه به «چم خان» نوعی از سیرک که در و لینگتن بتوسط انجمن اسب دوانی «استاند» تربیت شده بود تشریف فرما گردیدند در ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه موکب همایونی و ملتزمین با تشریفات مقرر به هیو درم وارد شده موزیک فوج ۳ پیاده نظام بنواختن آهنگ ایران مشغول گردید و پس از آنکه ذات مقدس ملو کانه در غرفه مخصوص متمکن آمد رئیس انجمن موسیو «ماکس و الکه» از بذل توجه و تفقد ملو کانه نسبت بانجمن از خاکپای مبارک

اظهار تشکر بجا آورد مادام ایشان نیز دسته‌گلی بحضور اعلیٰ تقدیم کرد در این وقت دوره بازی‌های مضحك ژیم‌خانا شروع شد و از جمله آن بازی‌ها که خیلی تازگی و ضحك داشتند دوره کلاه‌های پنبه و بازی پیراهن و شمعدان و بالاخره دوره دواندن حمارها بود که فوق‌العاده مایه ضحك و مسرت حضار گردید.

دیگر از جمله کارها این بود که بازیگران بی حرکت بدن و بدون اعانت دست در روی تخته سیاهی این کلمات را می‌نوشتند «پاینده باد ایران، زنده باد مظفرالدین شاه» و هر بار حضار نیز با آواز بلند همین عبارات را مکرر می‌کردند و از روی کمال راستی از حضور مبارک اعلیٰ حضرت شاهنشاه ایران در آن مجلس اظهار خوشوقتی و بهجت می‌نمودند. در انجام ژیم‌خانا ذات مقدس ملوکانه سیگاری آتش زده بکالسکه سوار شدند و در حالتی که انبوه خلق با آواز غرأء شاد- باش می‌کشیدند و کب شاهنشاهی از هیپودرم بطرف عمارت بیلاقی «پرنسین کالدانتین» که منتظر مقدم مبارک بود حرکت کرد از آنجا که مشقاتر و و بیل رانی صبح که اعلیٰ حضرت شهریار از بالای ایوان شاهده فرموده بودند مطبوع خاطر مبارک واقع شده بود لهذا با استدعای وزراء ذات مقدس ملوکانه میل فرمودند که صبح ۱۵ از هتل بخارج تشریف- فرما شده از نزدیک تماشای اتوموبیل رانی مادام کرون را بفرمایند برای این موقع دسته‌جات احتساییه و پلیسهای دو چرخه سوار اطراف هتل را از تماشاچیان پرداخته اعلیٰ حضرت بمحوطه جلوه‌تال نزول

فرمودند و مادام «کرون» و موسیو «کرون» و «کونت بیلاندرت» پدرخانم مزبور بحضور اعلی معرفی شدند.

اعلیحضرت شاهنشاه ترکیب اجزاء و مکانیسم اتوموبیل را که اسم نوعی آن معروف به (ستائلی) بود و حرکت آن با بخار صورت می گرفت بدقت ملاحظه فرموده از قشنگی شکل و بی صدائی در حرکت و نداشتن تکان و لرزش آن خیلی تمجید فرمودند پس از آن مادام کرون با اتوموبیل بعضی حرکات و پیچ و خمها با کمال مهارت و زبردستی انجام داده مایه مزید اطمینان اعلیحضرت از صحت کار و رفتار اتوموبیل گردید و بلفظه مبارک بمادام فرمودند که امتیاز اتوموبیل مبرهن و ثابت شد و شاید بر این مسئله همان بس که باین اندازه مطیع دستهای کوچک و ظریف شما است و باین نر می بهر طوری میل شما است اورا حرکت می دهید.

از آنجا که مشق و امتحان اتوموبیل رانی آن روز موجب خرسندی و مسرت خاطر مبارک اعلیحضرت شاهنشاه شده بود برای آنکه یادگار آن روز و آن مجلس ثابت بماند با اشاره بندگان اقدس همایونی مادام کرون در دست چپ اعلیحضرت قرار گرفته یک سلسله عکس متحرک با آلت سینو مانوگراف برداشته شد پس از آن چون هوا خیلی مساعد و آفتابی بود و کنار دریا جلوه و صفای مخصوصی داشت ذات مقدس او کانه برای تفریح بساحل دریا تشریف فرما گریه‌دند و در آنجا مقدار زیادی صدف های مختلفه دریائی بنظر



مبارك رسید و یکساعتی بتماشای امواج و سطح متموج دریا مشغول شده به هتل معاودت فرمودند در ساعت ۹ موکب شهریار با تجملات معموله بمحل صید کبوتر که برای اینموقع ترتیبات مخصوصه شده بود تشریف فرما گردیدند .

«بارون لو» رئیس محل مقدم مبارك شاهنشاه را پذیرائی نموده ذات مقدس ملو کانه پس از آنکه چند قبضه تفنگک امتحان فرمودند یکی را برداشته با نهایت مهارت و صحت خالی نمودند و از دور مبارزات رقبای مصارعین و پهلوانانی که برای بردن انعام ده هزار فرانك مشغول کشتی گیری و زور آزمائی بودند مشاهده فرمودند . در ساعت ۵ اعلیحضرت مظفرالدین شاه از ولینگتن به هتل پالاس مراجعت فرمودند و از آنجا پس از صرف عصرانه به کورسال برای استماع کنسرت و تماشای آتشبازی خیلی باشکوهی که از طرف کارگذاران شهر تهیه شده بود تشریف فرما گردیدند .

چون از زمان آمدن به «استاند» مجاری اوقات مبارك همواره بروفق دلخواه و موجب خرسندی خاطر همایونی صورت پذیرفته بود و مخصوصاً از تشریف فرمائی به کورسال ذات مقدس ملو کانه بالاخص مشعوف و مسرور شده حکم اعلی بوزیر اعظم صادر شد که از طرف ایشان دستخطی مبنی بر ضایع خاطر مبارك از تشریفات و پذیرائی کورسال و حسن نیت و احترامات قلبی اهالی استاند بکدخدای شهر بفرستند و مبلغ پانصد فرانك هم برسم اعانه بدارالایتام «ماری

همانریت و سن و نسان دوپل» مرحمت فرمودند. برای تشکر از این مرحمت شاهانه پس از رجعت موکب همایون از کنار دریا مخدرات رؤسای ادارات مزبوره با دونفر از اطفال خردسال بحضور مبارک شرفیاب شده مراسم امتنان و شکرگذاری بجا آوردند. ذات مقدس شهریاری اطفال را مورد نوازش و تفقدات شاهانه داشته از حسن تربیت و نظافت آنها تمجید فرمودند. تشریف فرمائی و دعوت رسمی مظفر-الدین شاه از طرف شهر استاند در تالار بزرگ جشن عمارت بلدیة شهر که بسلیقه خوب و سبک مرغوب برای اینموقع زینت یافته بود بعمل آمد.

نزدیک بظهر میدان نظامی شهر که بیرقها و دیرکهای مزین آئین بسته در اطراف آن سرپاشیده بودند رفته رفته از ازدحام مردم پر شد یک باطری توپچیان گمارده مخصوص شهر نیز برای محافظت و انتظامات محل و انجام احترامات نظامی در مدخل عمارت بلدیة صف بستند و موکب اعلیحضرت شهریاری مقارن ظهر در دنباله بیست و چهار نفر ژاندارم های ملتزم رکاب که پیشاپیش مقدم ملایم می آمدند وارد گردید و در مدخل عمارت که با پارچه ها و پرده های قیمتی مزین شده بود از کالسکه ها پیاده شده بعمارت داخل گردیدند.

کدخدای شهر مقدم مبارک را استقبال و مراسم خوش باش بجای آورده وزیر اعظم از جانب سنی الجوانب ملوکانه جوابی مبنی بر رضایت و خشنودی خاطر مبارک از پذیرائیهای شهر و کار گزاران بلدیة بایشان اظهار داشتند پس از آن ذات مقدس ملوکانه نخست

بتالار سفید و بتالار مخصوص عروسی و ازدواج تشریف فرما شده بدست مبارك نام نامی خودشانرا در دفتر بلدیة درج نمودند و پس از آنکه از دالان تصاویر عبور فرموده و پرده های قیمتی و نفایس آنجا را بنظر دقت ملاحظه فرموده بالاخره بتالار مخصوص رقص نزول اجلال ارزانی داشتند .

در این تالار که بهزاران چراغهای الکتریکی منور شده بود میز شامی شصت نفر و بهمتها درجه شکوه و جلال تهیه شده بود اعلیحضرت شاهنشاه در طرف راست میز در وسط جلوس فرمودند و «بارون روزت» حاکم فلاندر غربی در دست راست و «ژنرال تونیس» در دست چپ مبارك قرار گرفتند و در مقابل اعلیحضرت شاهنشاه کدخدای شهر استاند میانة وزیر اعظم و وزیر مختار ایران بجای خود نشست در آخر شام کدخدای شهر جامی سلامتی ذات مقدس شاهنشاه و تشکر از تشریف فرمائی ایشان به استاند نوش کرد اعلیحضرت قویشوکت نیز در جواب به زبان فرانسه جام شربتی نوش جان فرمودند نطقی مبنی بر سلامتی اعلیحضرت پادشاه بلژیک بیان فرموده روز بعد را عید کلی به اهالی شهر استاند که برای اینگونه اعیاد و تفریحات امتیاز و مناسبت مخصوصی دارد از طرف کار گزاران حکومت اعلان شده بود در ساعت ۳ اعلیحضرت مظفرالدین شاه و ملتزمین ایشان در حالتیکه خلق به آواز بلند دعاخوان و ثناگو بودند در غرفه مخصوص سلطنتی جلوس فرمودند و مسیو «وان لو» و «کوهت دونیولان» مقدم عمومی را گرمی داشته از طرف انجمن عید کل سه عدد بیرق بسیار مزین

قشنگ هدیه نمودند پس از آن عید شروع شد و سلسله کالسکه‌ها و درشکه‌هائیکه به منتها درجه سلیقه و ظرافت به گلها و ریاحین رنگارنگ در این ضمن غلغله و غریو شادی و سرور مردم که تا آنروز همچو جشن و تماشائی در استانند هیچوقت ندیده بودند بفلک بلند میشد .

بر حسب استدعا و دعوت مخصوص «مسیوروزت» حاکم فلاندر رای اعلیحضرت شاهنشاهی بر این قرار گرفت که يك روز از استانند به شهر معروف تاریخی «بروژ» تشریف فرما شوند و روز مزبور «مسیو بارون روزت» و «مسیو ویزار» باتفاق کلدخداي شهر مذکور درنگار مقدم مبارك را پذیرفتند و مفصلاً آئینه قدیمه و یادگارهای نفیسه شهر را از بخاری عهد طوایف فرانک تا محجر کهنه تاریخی مریضخانه «سنژان» رابخا کپای مبارك معرفی نمودند از همه غریب تر در این روز در نظر مبارك اعلیحضرت شاهنشاه ایران استماع نطق فارسی بود که یکی از دختران تارك دنیا مسمیة به «مادمازل درپ» دختر وزیر مختار سابق بلژیک در طهران رابخا کپای مبارك عرضه داشت پس از صرف ناهار در منزل حاکم شهر، ذات مقدس ملو کانه باکمال خوشوقتی از گردش آنروز به استانند رجعت فرمودند در این ایام بواسطه خبر موحشی يك مرتبه خرمی و نشاط اهل استانند نزدیک بود مبدل باضطراب و دهشت شود و آن خبر این بود که معروف شد که پلیس سه نفر ایتالی را که بخیمال آزار و سوء قصدیکه درباره وجود مسعود اعلیحضرت شاهنشاه ایران به استانند وارد شده بود گرفته و بحبس

انداخته و در واقع هم آنروز صبح سه نفر را اداره پلیس گرفته و حبس هم کرده بود .

تفصیل آنکه یکی از شبها با ترن عصر سه نفر مسافر که در واگون درجه سوم منزل داشتند با لباسهای مندرس و وضع مختلی بگار استاند وارد میشوند رنگ این مسافرن گندم گون و موهایشان سیاه بود و هیچ نوع اسباب و راحله هم جز چند پارچه اسلحه که داشتن آنها در شهرهای فرنگستان ممنوع است باخود نداشته اند پس از پیاده شدن و خروج از گار مسافرن مزبور یکنفر از حملانیرا که درمدخل گار برای خدمت مسافرن و هدایت غربا همیشه حاضرند بنظر در آورده به ایما و اشاره و بعضی کلمات سرودست شکسته باو حالی میکنند که ایشانرا بمهمانخانه نزدیک به هتلی که اعلیحضرت پادشاه ایران توقف دارند هدایت کند شخص مزدور مسئول ایشانرا معجری داشته آنها را بهتلی راهنمایی میکند ولی چون از وضع و قیافه آنها و گفتگوهاییکه کرده بودند برای اوشکی حاصل شده بود مستقیماً باداره پلیس نزدیک هتل دونل رفته مظنون خود را اظهار میکند و میگوید یقیناً این اشخاص انارشیت های ایتالیائی هستند که بقصد بدی باین شهر آمده اند اجزاء اداره پلیس هم بلا درنگ به هتل مسکن مسافرن رفته آنها را نیمه خواب از بسترشان بیرون کشیده يك ربع ساعت بعد آن بیچارگانرا در محبس اداره مقید میسازند و در این بین اخبار تلگرافی از چپ و راست بعبارات و مضامین مختلفه باطراف منتشر میشود که انجمنی که بخیمال سوء قصدی در باره اعلیحضرت

پادشاه ایران تشکیل یافته بود مکشوف و اجزای آن دستگیر شده‌اند. روز بعد صبحی که محبوسین از خواب برمیخیزند متحیر و بیخیر از هرجا از مستحفظین خود سؤال میکنند که مقصود از نگاهداشتن آنها چه و تکلیف ایشان چیست؟ بعد از چند دقیقه معلوم میشود که آن سه نفر ایرانی هستند و از تجار ورشکسته اکسپوزیسیون میباشند که برای عرض حال و استدعای انعام و اعانه به پابوس اعلیحضرت آمده‌اند و اشتهاً پلیس آنها را دستگیر نموده خلاصه مقصرین بی تقصیر را آزاد میکنند و در ضمن هم مقصودشان بعمل آمده مرحمت ملوکانه شامل حال آنها میگردد.

پس از رفع اشتباه و کشف امر خاطر اهل شهر که چند ساعتی دچار اضطراب و دغدغه بی اندازه شده بود آسوده و ایمن شده بنفکر مشغولیات و سرور تازه افتاده قرار مشق و سان نظامی که آخرین وقعه اقامت اعلیحضرت شاهنشاهی به استناد بود بموقع اجرا آمد برای این سان و دفیله افواج گوناویه و گر آیینیه و سوارهای کند و شاسور و چند دسته سرباز پیاده نظام و سوارهای نیزه دار حاضر شدند و اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه از بالای ایوان عمارت بلدیه دفیله قشون ساخلو شهر استاندراکه روی هم قریب بهزار و نهصد نفر میرسید مشاهده فرمودند.

در این اثنا اعلیحضرت پادشاه بلژیک که بسا کشتی سواری مخصوص خودشان آلبرتاز مسافرت و گردش کنار دریا مراجعت به بلژیک میفرمودند در بندر استاندراکه پیاده شده قبل از رفتن به بروکسل

خواستند ملاقاتی با اعلیحضرت مظفرالدین شاه مهمان عزیز خودشان کرده باشند .

در ساعت ۱۰ صبح کشتی آلبر بکنار بندر آمده اعلیحضرت پادشاه بمعیت کنت دولیرمون و کنت داش وبارون سنوی از کشتی فرود آمده پیاده بعمارت بیلاقی سلطنتی که نزدیک بساحل دریاست تشریف فرما شدند و از آنجا در ساعت سه بعد از ظهر بقصد ملاقات اعلیحضرت مظفرالدین شاه بهتل پالاس آمدند. اعلیحضرت شاهنشاه ایران با ملتزمین و بزرگان دربار در سر پله هتل مقدم شاه را پذیرفته ایشانرا با پارتمان و سالن پذیرائی خودشان هدایت نمودند و یکساعتی باظهار مراسم و داد و یکجتهی دولتین علیشان و صحبت دوستانه بما یکدیگر بسر بردند .

اعلیحضرت پادشاه بلژیک نیم تنه سیاه و جلیقه سفید در بر داشتند و حمایل آبی ایران که مخصوص سلاطین است به گردن آویخته بودند. اعلیحضرت مظفرالدین شاه نیز برای اینموقع حمایل و نشان درجه اول لئوپلد را هیكل انداخته بودند. در ساعت چهار اعلیحضرت شاهنشاه ایران باتفاق وزیراعظم و ژنرال تونیس بکالسکه سوار شده بدون جمعیت و خدم زیاد بعمارت بیلاقی پادشاه بلژیک رفته باز دیدی از ایشان نمودند .

روز جمعه ۲۴ اوت که حرکت اعلیحضرت از استانبول مقرر شده بود حوالی یکساعت و نیم از ظهر اطراف گنار از جمعیت و ازدحام راه عبور و مرور نبود و اهالی شهر اصرار غریبی داشتند که

موقع حرکت اعلیحضرت حضور داشته متمنیات قلبی خود را بار - دیگر اظهار و آشکار نمایند. در داخل گاریکدسته سرباز فوج ۳ پیاده نظام در تحت فرماندهی کولونل درومرس و یک باطری توپخانه در تحت فرماندهی کماندان دوکوک در مقابل تالار مقر سلطنتی صف بسته بودند. همینکه اعلیحضرت مظفرالدین شاه با لباس تمام رسمی و پالتوی مشکی و یقه ماهوت گلی باوقار و حشمت سلطنتی وارد شدند یکمرتبه از مشاهده جمال مبارک خروش و فریاد شادی و ذوق حضار و تماشاچیان بلند گردید و چون ذات مقدس ملوکانه بواگن تشریف فرما شدند و پالتورا برداشتند شعف و سرور مردم از مشاهده لباس مکمل بالماس که اعلیحضرت در برداشتند بیشتر گردید. بکلاه مبارک در زیر جقه یک قطعه الماس مربع درشت نصب شده بود و بر هر یک از سردوشیهانیز سه قطعه الماس گران بها مرصع شده بود که هر کدام درشتی بیضه کبوتری داشتند بند شمشیر و شمشیر اعلیحضرت نیز بجواهرات آبدار مزین بود چنانچه چشم از مشاهده آنها خیره میشد. پس از آنکه ژنرال تونیس که حمایل و نشان درجه اول شیرو خورشید ایران را زیب پیکر کرده بود بکالسکه همایونی قرار گرفت مسیو کوستانتین حکم حرکت داده ترن راه افتاد. اعلیحضرت مظفرالدین شاه تا آنکه قطار از گار خارج شد دم پنجره و آگون ایستاده بودند و با کلدخدا و حاکم و کارگذاران حکومت شهر و سرکردگان و صاحب منصبان نظامی با دست و سروداع و اظهار الطاف شاهانه مینمودند \*

\* بدایع وقایع نخستین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا و یادگاریها که در شماره های گذشته مجله چاپ گردید تقریباً بصورت کتاب تقدیم علاقمندان خواهد شد